

وطن، دشمن

وناخودآگاه جمعی

سپیدهدم ۲۳ خرداد ۱۴۰۴،

آسمان ایران اسلامی زیر رگبار تهدیدات رژیم صهیونیستی بار دیگر شاهد حماسه مقاومت بود. پاسخ کوبنده ایران با صدها پهپاد و موشک، نه‌تنها اقتدار نظامی

ملت انقلابی را به رخ دشمن کشید، بلکه عمق روان جمعی این سرزمین را عیان کرد؛ جایی که مفاهیم «وطن» و «دشمن» فقط سیاسی نیست، بلکه ریشه در ناخودآگاه ملتی دارد که با ایمان و آرمان‌های انقلابی زیسته است. نگارنده قصد دارد با نگاهی روانکاوانه به کاوش این مفاهیم در بستر جنگ ایران و اسرائیل بپردازد و این پرسش‌ها را پیش بکشد:وطن چگونه در روان مامقدس می‌شود؟دشمن چگونه در ناخودآگاه ما جا می‌گیرد؟ و چرا این دو، در نبرد کنونی، چنین آتشین به هم گره خورده‌اند؟

■ **وطن؛ابژه مقدس در ناخودآگاه جمعی**

از منظر روانکاوی، وطن، چیزی فراتر از خاک و مرز است. به تعبیر ژاک لکان، وطن یک «ابژه والا» (objet petit a) است؛ چیزی که هویت، امنیت و معنای وجودی ما را در خود جای داده اما همزمان دست‌نیافتنی و شکننده است. برای ملت ایران، وطن، ایران اسلامی است؛ سرزمینی که با خون شهید، تقدیس شده است. این خاک، در ناخودآگاه جمعی ایرانیان، به مادری می‌ماند که هم پناهگاه است و هم در معرض تهدید. زیگموند فروید در مفهوم «بازگشت به رحم» توضیح می‌دهد:انسان، در برابر اضطراب وجودی، به دنبال بازگشت به آغوشی امن است. برای ایرانیان، این آغوش، ایران است؛ سرزمینی که با فرهنگ دیرینه، تاریخ کهن و سنت اسلامی و در روان ما حک شده است. اما روانکاوی به ما می‌گوید این تقدس، با ترس از دست دادن همراه است. در ناخودآگاه ایرانیان، این ترس ریشه در زخم‌های تاریخی دارد:تهاجم مغول، قراردادهای ننگین استعماری، کودتای ۲۸ مرداد و جنگ تحمیلی. این زخم‌ها به قول فروید، «تکرار اجباری» (repetition compulsion) در روان جمعی ما کاشته‌اند؛ تمایلی ناخودآگاه به بازآفرینی صحنه‌های تهدید و مقاومت برای بازسازی هویت. انقلاب اسلامی ۵۷، با رهبری امام خمینی(ره)، این ترس را به نیرویی برای احیای هویت ملی بدل کرد. وطن، امروز نه‌فقط خاک، بلکه ایده‌ای است که در گزاره «خاک می‌خوریم اما خاک نمی‌دهیم» و فریاد «هیئات منا الله» متبلور شده است. این وطن، در روانکاوی، یک «دیگری بزرگ» است که ما را به سوی آرمان‌های والا، از استقلال تا عدالت، هدایت می‌کند.

مفهوم دشمن نیز در روانکاوی، چیزی بیش از یک نیروی خارجی است. کارل یونگ دشمن را «سایه» روان جمعی می‌داند؛ برای ملت انقلابی ایران، دشمن، رژیم صهیونیستی است؛ نیرویی که به تعبیر امام خمینی (ره)، «عده سرطانی» منطقه است. از منظر روانکاوانه اما این دشمن، تنها یک موجود خارجی نیست، بلکه بازتابی از تشوش‌ها، خشم‌ها و زخم‌های سرکوب‌شده در ناخودآگاه ماست. اسرائیل با اشغال فلسطین، جنایت‌ات در غزه و حملات به محور مقاومت، به نمادی از تمام آنچه ایران اسلامی در برابرش ایستاده بدل شده است؛ استکبار، ظلم و تحقیر.

پیش از انقلاب، رژیم پهلوی با صهیونیست‌ها همپیمان بود اما انقلاب اسلامی با شعارهای ضدصهیونیستی، این پیوند را گسست. روانکاوی لکانی این‌چرخش را به عنوان تلاشی برای بازسازی «دیگری خیالی» (imaginary other) می‌بیند؛ جایی که اسرائیل، به عنوان دشمن، هویت انقلابی ایران را یکپارچه کرد. حملات قبلی اسرائیل به خاک ایران و پاسخ قاطع ایران در عملیات‌های «وعده صادق» این دشمنی را از سطح خیالی به «واقعی» (Real) لکانی برد؛ جایی که تهدید دیگر نمادین نیست، بلکه وجودی است.

روانکاوی فرویدی به ما می‌آموزد رفتارهای امروز، ریشه در «تکانه‌های سرکوب‌شده» (repressed drives) گذشته دارد. برای ایران، این تکانه‌ها در زخم‌های تاریخی نهفته است؛ از تحقیرهای استعماری تا تحریم‌های ظالمانه و جنگ تحمیلی. این زخم‌ها به قول یونگ، «کمپلکس‌های جمعی» (collective complexes) را در روان ملت کاشته‌اند؛ حس تحقیری که به خشم علیه دشمنانی مانند اسرائیل و آمریکا بدل شده است. انقلاب اسلامی، این خشم را به نیرویی برای بازسازی هویت ملی هدایت کرد. دفاع‌مقدس، مقاومت در برابر تحریم‌ها و پاسخ موشکی به اسرائیل، همگی تلاش‌هایی ناخودآگاه برای التیام این زخم‌هاست.

روانکاوی یونگی به ما می‌گوید وطن و دشمن، در هم تنیده هستند. وطن، بدون دشمن، معنای کامل خود را نمی‌یابد اما این معنا تنها در تضام خلاصه نمی‌شود. برای ایران اسلامی، وطن، ایده‌ای است که در مقاومت، استقلال و عدالت ریشه دارد. دشمن، نه‌فقط اسرائیل، بلکه هر نیرویی است که این ایده را تهدید کند.

یونگ معتقد است برای التیام روان باید با سایه خود مواجه شویم. برای ایران، این مواجهه، نه تسلیم در برابر دشمن، بلکه بازشناسی زخم‌های تاریخی و تبدیل آنها به قوت فروید، «ساماندهی لیبیدو» (sublimation) است؛ هدایت انرژی خشم به سوی آرمان‌های والا از طریق به کارگیری یکپارچه، توانمند، خلاقانه و حساب شده که داستان مقاومت ایران بزرگ را بار دیگر در جهان طنین‌انداز کند.

جنگ ایران و اسرائیل، دعوتی است به تأمل در ناخودآگاه جمعی ما. وطن، ایران اسلامی است؛ ابژه‌ای مقدس که در روان ما با ایمان و شهادت گره خورده است. دشمن، رژیم صهیونیستی است؛ سایه‌ای که زخم‌های تاریخی ما را بیابار می‌کند. ملت ایران، با تکیه بر ولایت و مقاومت، این سایه را به زانو در خواهد آورد؛ نه اِش‌الله.



چرا دوگانه ملی‌گرایی و امت‌گرایی بر ساختنی است؟

امت یا ملت، دوگانه جعلی

منقاد آنها می‌ساخت.

■ **رویکرد دوم: پسمالی‌گرایی**

در مقابل، برخی برای فرات رفتن از قوم‌گرایی و ملی‌گرایی و نفی ثمرات آن، به فکر چاره افتادند اما به تفریط در این زمینه دچار شدند و به نام علاج، هویت‌های ملی را نفی کردند. مفاهیمی همچون «اینترناسیونالیسم»، «ترنس‌ناسیونالیسم» و «جهان‌وطنی» عمدتاً از جانب جنبش‌های چپ و آزادی‌خواه و ضدامپریالیست در این راستا ساخته و پرداخته شد و رواج یافت اما این مفاهیم نیز مبتنی بر «فنی» بوده و طرح روشن و واقع‌بینانه‌ای برای «ساخت» نداشته‌اند. به تعبیر دیگر، با نفی هویت و ریشه افراد و ملیت‌ها، هویت والا‌تر و دی‌قیمت‌تری برای آنها عرضه نکرده‌اند که ارزش مهاجرت از یکی به دیگری و هزینه دادن برای آن را داشته باشد؛ چیزی که تنها از یک دین و مکتب الهی بر می‌آید.

■ **رویکرد سوم: جمع‌هویت دوگانه**

البته مسأله تعارض هویت‌های دوگانه منحصر به دنیای پیرامون ما نبوده و دوگانه‌سازی از ایران در برابر اسلام و ملی‌گرایی در برابر امت‌گرایی در ساخت اندیشه معاصر ایران نیز مطرح بوده است؛ هر چند شاید در دوران پیش از آن، اساساً حل‌شده بوده و برای جامعه مسلمان ایران مسأله محسوب نمی‌شده است اما در هر حال مسأله‌بودگی آن در ایران معاصر به واسطه عوارض جریان مدرنیته و روشنفکری، قابل انکار نیست. کتاب مبسوط «خدمات متقابل اسلام و ایران» شهید مطهری نشان‌دهنده دغدغه ایشان برای پاسخ به این مسأله فکری در آن دوران است. این دوگانه‌سازی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از جانب برخی برجسته و تشدید شد – ممکن است افراط و تفریط بر برخی افراد نیز در تشدید آن دخیل بوده باشد – و هر از گاهی شاهد بروز عوارض این نگرش غلط هستنیم. گاهی با شعار «ه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» و «فلسطین رو رها کن، فکری به حال ما کن»، گاهی با برجسته کردن اماکن و مناسبت‌های باستانی پیش از اسلام در برابر اماکن و مناسبت‌های مذهبی و مانند آن. در جدیدترین این دوگانه‌سازی‌ها، پس از تجاوز رژیم صهیونیستی به کشورمان، برخی با استناد به اتحاد ستودنی ایرانیان حول دفاع از وطن، ملی‌گرایی را عامل اصلی این همبستگی بی‌سابقه دانسته و آن را در تقابل با سیاست امت‌گرایی – که از نگاه آنها شکست‌خورده و ناکارآمد است – گذاشته‌اند؛ ادعایی که باید آن را نسخه بازآرایی‌شده و به‌روز‌شده شعار «ه غزه، نه لبنان» دانست. حال که نادرستی این شعار روشن شده، مطرح کردن آن به زبان دیگر کاملاً در خدمت اهداف رژیم صهیونیستی

گفت‌وگوی «وطن امروز» بافرشته روح‌افزا درباره همدلی بی‌سابقه در هیأت‌های عزاداری

هیأت‌ها را به جریانی فرهنگی تبدیل کنیم

در روزگاری که جهان اسلام بیش از هر زمان دیگری با چالش‌های هویتی، ظلم ساختاری و جنگ ترکیبی روبه‌رو است، محرم امسال صحنه‌ای بی‌ظنیر از وحدت، همدلی و همدلی در میان هیأت‌های عزاداری در سراسر ایران بود. شعار محوری «ایران حسین(ع) تاابد پیروز است» که با اهتمام سازمان هیأت و تشکل‌های دینی کشور انتخاب شد، به‌سرعت مورد استقبال هیأتی‌ها، ذاکران اهل‌بیت(ع) و اقشار مختلف جامعه قرار گرفت و به رمز وحدت و پیام جهانی عزاداران حسینی تبدیل شد.

فرشته روح‌افزا، پژوهشگر و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «وطن امروز» ضمن تحلیل دلایل این وحدت کم‌ظنیر در فضای هیأتی کشور، به بیان تأملات خود درباره پیوند محرم امسال با شرایط جهانی و نقش نسل جوان در تداوم این مسیر پرداخت.

■ **همزادپنداری ملموس‌تر با عاشورا و روح ایستادگی در برابر ظلم**

او در پاسخ به این پرسش که چرا امسال فضای هیأت‌ها بیش از همیشه با همگرایی و همدلی همراه بود، گفت: «ما امسال ایام عزاداری را به گونه‌ای لمس کردیم که حقیقتاً مبارزه با ظالمان و آنان که در برابر اسلام ایستاده‌اند، برای ما تجربه‌ای نزدیک و ملموس شد. در مراسم‌های عزاداری نوعی همزادپنداری با روز عاشورا و حرکت امام حسین(ع) مشاهده می‌شد. البته پیش از این هم چنین احساسی وجود داشت اما امسال این حس بسیار پررنگ‌تر و واقعی‌تر درک می‌شد».

روح‌افزا تأکید کرد: «ارادت به امام حسین(ع) همیشه در کشور ما وجود داشته اما امسال شور بیشتری در دل‌ها موج می‌زد و این همدلی مضاعف نشان می‌داد اگر همه با هم وحدت داشته باشیم، بسیار راحت‌تر می‌توانیم در برابر دشمن بایستیم. البته نمی‌توان از نقش مؤثر فرمایشات مقام معظم‌ره‌بری و راهبردهای حکیمانه‌ایشان چشم‌پوشی کرد. دشمن تصور نمی‌کرد محرم تا این حد به مردم ما کمک کند. الگوی عاشورا موجب شد مردم، خود را دقیقاً در خط امام حسین(ع) ببینند و همانند یاران ایشان در برابر ظلم ایستادگی کنند».

استاد دانشگاه تهران ادامه داد: «این ایستادگی مردم برای بسیاری از خبرگزاری‌ها و ناظران جهانی جای پرسش دارد. نمی‌توانند درک کنند چه چیزی ملت ایران را به

و آمریکاست و گویندگان آن – حتی اگر متوجه نباشند – با معارض نشان دادن هویت ملی و امتی و نفی امت‌گرایی به نفع ملی‌گرایی، در حق ایران جفا کرده‌اند.

البته در آیین میان مغالطه‌ای نیز انجام گرفته است؛ مطرح‌کنندگان مدعی‌اند در جنگ اخیر، امت‌گرایی به کمک ایران نیامد و این ایرانیان بودند که با جمع شدن حول ملی‌گرایی، از وطن دفاع کردند. یکی از مغالطه‌هایی که در این استدلال مطرح است، آن است که امت‌گرایی به معنای همراهی و پشتیبانی «دولت‌های اسلامی» در نظر گرفته شده است. در حالی که وضعیت حاکمان کشورهای اسلامی و سرسپردگی یا بی‌ارادگی آنان در مقابل غرب واضح و مشخص است و امیدوی به آنها نداشته‌ایم، بلکه باید ثمره امت‌گرایی را در حمایت و پشتیبانی «ملت‌های مسلمان» از ایران جست‌وجو کرد که در این باره از قضا حمایت‌های گسترده و بی‌سابقه‌ای از ایران در جنگ اخیر انجام‌شد و اساساً حمله دشمن به خاک کشورمان نیز به خاطر تضعیف بخشی از این عمق و امتداد خارجی در ماه‌های پیش از آن بود؛ لذا «بی‌ثمر بودن» امت‌گرایی در جنگ تحمیلی اخیر، ادعای گراف و نادرستی است.

علی‌ایحال در میان رویکرد افراطی و تفریطی به ملی‌گرایی، انقلاب اسلامی ایده جمع میان این دو را مطرح کرد و رهبران و متفکران آن، جمهوری اسلامی را بر این اساس استوار کردند و پیش بردند. طبعاً استقبال پرشور مردمی از رؤسای جمهور ایران در سفرهای خارجی، خوشحالی غیرایرانیان از پیروزی ایران در میادین ورزشی و نیز عملیات‌های «وعده صادق» و… برای ایران بما هو ایران نبوده، چرا که گفتمان ملی‌گرایی اساساً ظرفیت تولید چنین عمق نفوذی را ندارد. شاید اگر حمایت‌های مردمی بین‌المللی از ایران نبود، وضعیت بسیار سخت‌تری داشتیم و زودتر از اینها حمله نظامی را تجربه می‌کردیم و شاید اگر به واسطه موانع بیرونی، کوتاهی‌ها، عدم اعتقاد برخی مسؤولان و… این حمایت‌ها و همراهی‌ها را جامع‌تر و کارا‌تر طراحی می‌کردیم و توسعه می‌دادیم، مشکلات مادی و معنوی بیشتری را می‌توانستیم از کشور حل کنیم و به صورت متقابل از ثمرات بیشتری بر‌خوردار بودیم، لذا ادعای ناکارآمد بودن سیاست امت‌گرایی، ادعای غیرمنصفانه و ناصوابی است. همان‌طور که از نسوی مقابل نفی وطن و هویت و تاریخ و تمدن ایرانی نیز در اندیشه انقلاب اسلامی جایگاهی ندارد. با آنکه در ساخت مذهب، حق و باطل معنا دارد و موضع انقلاب اسلامی درباره حقایق تشیع واضح و صریح است اما ایده آن «فنی دیگر مذاهب» نیست؛ بلکه به تصریح رهبر معظم انقلاب وحدت اسلامی به واسطه تأیید و حفظ مذاهب اتفاق می‌افتد،

گفت‌وگوی «وطن امروز» بافرشته روح‌افزا درباره همدلی بی‌سابقه در هیأت‌های عزاداری

هیأت‌ها را به جریانی فرهنگی تبدیل کنیم

بت بزرگ، یعنی آمریکا را شکست و سپس شعار مرگ بر آمریکا را سر داد. ایران حسین(ع)، همان ایرانی است که از خط امام حسین(ع) نشأت می‌گیرد. مگر امام حسین(ع) رفتنی است؟ در طول این ۱۴۰۰ سال، بارها سعی کرده‌اند نام ایشان را محو کنند. در دوران خود ائمه، چه مبارزاتی با اهل‌بیت شد. حتی قبر امام حسین(ع) را با خاک یکسان کردند، هر کس که قصد زیارت داشت، باید جان با عضوی از بدن خود را فدا می‌کرد».

وی با اشاره به بیداری جهانی نسبت به عاشورا افزود: «در گذشته، هنگامی که برای تحصیل به خارج از کشور رفته بودیم، ما خود می‌گفتیم چگونه می‌توان مردم دنیا را با امام حسین(ع) آشنا کرد تا زمانی که امام زمان(عج) ظهور می‌کند و خود را «منتقم خون حسین(ع)» معرفی می‌کند، مردم بهفهمند این یعنی چه. آن روزها کسی امام حسین(ع) را نمی‌شناخت اما بعد از ماجرای توهین صدام به حرم امامین و بمب‌گذاری در کاظمین، آرام‌ارام جهان با نام حسین آشنا شد. امروز تقریباً کسی نیست که امام حسین(ع) را نشناسد». روح‌افزا ادامه داد: «امروز در همه جای دنیا مراسم عزاداری، سینه‌زنی، روضه و زنجیرزنی برپا می‌شود. خط امام حسین(ع) معرفی می‌شود. ثارالله است، خون خداست، خاموش‌شدنی نیست. راهیمیایی اربعین خود گواهی است بر این ادعا، حتی خارجی‌هایی که در این مراسم شرکت می‌کنند، می‌خواهند ببانند این پدیده چیست. «ایران حسین(ع)» یعنی ایرانی که پشتیبان امام حسین(ع) است. نه فقط ایران، بلکه هر ملتی که به این خط پیوندند، پیروز خواهد بود».

■ **هیأت‌ها را از صرف عزاداری به جریان فرهنگی تبدیل کنیم**

روح‌افزا درباره نقش مداحان نسل جدید و وظیفه آنان گفت: «این پیام همان زمانی که انقلاب اسلامی آغاز شد، شکل گرفت؛ با شعرهایی مانند «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل». به یاد دارم در سال‌های اول انقلاب، در هیچ کجای دنیا چنین شعارهایی شنیده نمی‌شد. این شعار یک حرف تازه بود؛ یعنی ایران امام حسین(ع)، یعنی مرگ بر ظالم، یعنی مرگ بر هر کسی که می‌خواهد با روش یزیدی بر دنیا حکومت کند».

وی اضافه کرد: «امام خمینی(ره) این جریان را در کشور

ما آغاز کرد، این جرقه را زد و این چراغ را روشن کرد. ابتدا

روح‌افزا درباره نقش مداحان نسل جدید و وظیفه آنان گفت: «این پیام همان زمانی که انقلاب اسلامی آغاز شد، شکل گرفت؛ با شعرهایی مانند «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل». به یاد دارم در سال‌های اول انقلاب، در هیچ کجای دنیا چنین شعارهایی شنیده نمی‌شد. این شعار یک حرف تازه بود؛ یعنی ایران امام حسین(ع)، یعنی مرگ بر ظالم، یعنی مرگ بر هر کسی که می‌خواهد با روش یزیدی بر دنیا حکومت کند».

وی اضافه کرد: «امام خمینی(ره) این جریان را در کشور

ما آغاز کرد، این جرقه را زد و این چراغ را روشن کرد. ابتدا